

ادامه از صفحه ۶

علل افول تحکیم وحدت

حاج احمد آقا هم این موضوع را به گوش امام رساند، امام هم گفتند بروید فهرست دهید و بعد در سخنرانی مشهوری گفتند عده‌ای در گذشته می‌خواستند ۵۰۰ نفر مجتهد را محدود کنند و اجازه دخالت آنان در سیاست را ندهند و امروز عده‌ای می‌خواهند اجازه دخالت ۵۰۰ هزار دانشجو در سیاست را ندهند. از آن زمان بود که ما در برابر جامعه روحانیت لیست دادیم و این را خود امام برای ما ایجاد کرد.

عوض سابق دفتر تحکیم وحدت یادآور شد: یک روز از آقای خاتمی که در شرایط برگزاری یا عدم برگزاری انتخابات بودند، خواستم که به دیدارشان بروم. ایشان وقت داد که ۹ صبح تا ۱۰ جلسه بگذاریم. ما رفتیم و جلسه در ساعت ۱۲ طول کشید. ایشان در آن جلسه تردید کرد و نامه انجمن اسلامی مدیرکیر را به من نشان داد و گفت آرم انجمن اسلامی را دارد، اما زیرش را بخوان. خواندم و دیدم کاملا لائیک است. پس باید افول و فروپاشی را فرایندی دید. اینها یک‌باره اتفاق نمی‌افتد. ضمن اینکه عوامل درونی و بیرونی را با هم

داشته است. در ادامه این نشست، سیاسی‌راد در واکنش به سخنان سلیمانی گفت: من نمی‌گویم فشار بیرونی تحکیم را مضمحل کرد، می‌گویم یک جمع‌بندی در ساختار به وجود آمد که ادامه تحکیم وحدت یک خطر استراتژیک است و باید تمام شود و این فرق می‌کند با این موضوع که تحکیم در دوره‌ای مخالفانی داشته که به آن فشار می‌آوردند. در واکنش به بحران دستاورد اصلاحات، دو جریان در تحکیم دو پاسخ به آن می‌دهند و مسئله، مسئله نماز خواندن دو دانشجو بوده؛ مسئله: هر سر این بود که یک‌سری از آنجا می‌گفتند موضوعی که به آن وجود آمده ناشی از ناکارآمدی اصلاحات و ناکامی آقای خاتمی در حل مشکلاتی است که برایش درست می‌شود. اصلاحات به بن‌بست خورده بود. نقشی را که آقای خاتمی امروز پذیرفته است، آن روز نمی‌پذیرفت و می‌گفت من رئیس جمهورم، نمی‌توانم رهبر جریان اصلاحات باشم. ما در سطح تورم رهی اصلاحات با مشکل مواجه شدیم و بدنه هم آمدند و پیشنهادات خود را ارائه کردند؛ یکی گفت فشار را بالاتر ببریم؛ یعنی از خاتمی عبور کنیم و یکی هم می‌گفت نه، شما تندروی کردید و رابطه ما را مخدوش کردید، بنابراین باید چانه‌زنی را بازسازی کنیم و هر دو هم به دیوار خورد و هیچ‌کدام جواب نداد.

باقری: بعد از ۷۶ یک عوام‌زدگی مدرن در تحکیم شکل گرفت

در بخش پایانی این نشست، سلیمانی خطاب به سیاسی‌راد گفت: تحکیم وقتی گفت عبور از خاتمی، فقط یک شعار نبود. این یک تئوری و تفکر پشتش است. همان موقع به دوستان می‌گفتم راهی که دارید می‌روید به بیراهه است. ما جز استراتژی اصلاحات راهی نداشتیم. اما جز اصلاحات راهی نداشتیم، اما اینکه فکر کنیم همیشه اصلاحات باید یک راه را برد اشتباه است.

در پایان نیز باقری با بیان اینکه افول زمانی ایجاد شد که زمان گشایش و رونق برای جناح ما بود، گفت: در تحکیم بعد از سال ۷۶ توهمی ایجاد شد که می‌تواند همه ۲۰ میلیون رأی خاتمی را نمایندگی کند. تحکیم را هوا برداشت و به‌گونه‌ای عمل کرد که بستری ایجاد کرد برای همه گروه‌هایی که به نحوی در برابر دولت پیش از خاتمی بودند. یک عوام‌زدگی مدرن در تحکیم بعد از ۷۶ شکل گرفت و نه تنها نیروهای غیرمسلمان در تحکیم حضور پیدا می‌کردند، بلکه از حضور آنان، دفاع هم می‌شد، اما تحکیم، اتحادیه انجمن‌های اسلامی بود، نه اتحادیه انجمن‌های لائیک! او افزود: همه مواردی مانند عدالت‌محوری یا آزادی‌محوری، حمایت از خاتمی یا حمایت‌نکردن از او در تحکیم می‌گنجد، اما دین‌گریزی نه! سرنوشتی که برای تحکیم شکل گرفت، سرنوشتی محتوم بود. ربطی به بن‌بست‌رسیدن اصلاحات یا فشار بیرونی نداشت. پیش از این هم تحکیم در جریان عزل آیت‌الله منتظری بحران‌هایی را از سر گذراند، اما مشکل این است که آقای سیاسی‌راد یا این موارد را نمی‌داند یا فکر می‌کند که آنها بحران نیستند. این نیست که فقط این مشکلات را در زمان آقای خاتمی داشته باشیم. باقری در پایان تأکید کرد: من البته با آقای سیاسی‌راد همراه هستم که می‌گویند احزاب اصلاح طلب جزء عوامل فروپاشی تحکیم وحدت هستند، اما از این زاویه با آنان مخالفم که چرا نرفتند و شاخه دانشجویی خود را راه‌اندازی نکردند تا مروج یارکشی در تحکیم نشوند، اما همه اینها می‌توانست فروپاشی را به تأخیر بیندازد و انجمن اسلامی دانشجویان محل رفت‌وآمد کسانی بود که به دین اعتقاد نداشتند و این عامل اصلی بود.

politics@sharghdaily.ir

حسام سلامت، از فعالان دانشجویی، در گفت‌وگو با «شوق»:

دانشگاه تبدیل به مسئله شده است



تجمع بنیاد بنیاد بنیاد بنیاد

اصلاح «تجاری‌سازی» و «کالایی‌شدن» مدام تکرار می‌شود، اول توجیهی درباره این دو مفهوم بدهید. در مجموع سازوکارهای تجاری‌سازی و کالایی‌سازی را در مسیر تحول تاریخی دانشگاه چگونه تحلیل می‌کنید؟

اجازه بدهید بحث را با تدقیق مفاهیم آغاز کنیم. وقتی از تجاری‌سازی می‌گوییم در واقع به قابلیت فروش محصولات و برون‌دادهای علمی نظر داریم. به تعبیر دیگر، تجاری‌سازی دانش از دانشگاه می‌خواهد محصولاتی تولید کند که بتواند آنها را به‌مثابه کالا به یک متقاضی، چه دولت چه بخش خصوصی، بفروشد و از این راه مخارج و هزینه‌هایش را تأمین کند. پولی‌سازی را در نظر بگیرید. در اینجا مسئله این است که دانشجویان باید هزینه‌های خدمات آموزشی را خود بپردازند؛ هزینه واحدهای درسی، هزینه پایان‌نامه، هزینه واحدهایی که حذف می‌کنند یا درس‌هایی را که نمی‌توانند به اصطلاح پاس کنند. چنانکه می‌دانید این رویه روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. در اینجا دیگر آموزش رایگان معنایی ندارد. در حال حاضر چیزی کمتر از ۱۵ درصد دانشجویان در ایران از آموزش رایگان برخوردارند. سازوکار دیگری که وجود دارد خصوصی‌سازی است. در واقع آنچه دستخوش خصوصی‌شدن شده است، خدمات رفاهی و جانبی دانشگاه‌های دولتی مثل خوابگاه‌ها، غذاخوری‌ها، سرویس‌های رفت‌وآمد، واحدهای انتشاراتی و از این دست است. آنچه از آن به دانشگاه‌های غیرانتفاعی تعبیر می‌شود، در اصل دانشگاه‌های شبه‌دولتی است، نه خصوصی. دانشگاه‌هایی که یا به‌وسیله دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی تأسیس شده‌اند- مثلا قوه قضائیه، نیروی انتظامی، جهاد دانشگاهی و غیره- تا بحسب ضوابط خودشان مدیر و کارمند سازمانی تربیت کنند یا مالکیت و مدیریت آن در اختیار چهره‌های سابق یا فعلی است که توانسته‌اند به اتکالی رانت سیاسی برای خود تسهیلات آموزشی راه بیندازند. البته در این میان بخش خصوصی هم از اوایل دهه ۸۰ فعال شد و به تازگی بسیاری از مؤسسات

مدت‌هاست می‌شنویم که از ضرورت بومی‌سازی علوم در ایران سخن گفته می‌شود. اساس این ایده چیست و چه پیامدهایی برای دانشگاه دارد؟ آیا می‌شود گفت این ایده در سیاست‌زدایی از دانشگاه مؤثر بوده است؟

ایده بومی‌سازی مشخصا با انقلاب فرهنگی آغاز شد. نطفه‌های این ایده را البته باید در سال‌های قبل از انقلاب جست‌وجو کرد؛ ایده‌هایی که سودای «بازگشت به خود» و «آنچه خود داشت» را می‌پروراندند و اساسشان بر قسمی بدبینی، نه‌فقط به علوم و دانش‌های به‌اصطلاح غربی که به بنیادهای خود مدرنیته در کلیت آن بود و خواب می‌دیدند که به اتکالی اندکی اعتمادبه‌نفس و خروج از وضعیت سرخوردگی تاریخی و وادادگی فرهنگی در برابر «غرب» می‌توان روی پاهای خود ایستاد و هر چیزی را که برای نوزایی کشور لازم است، به اتکالی احای میراث و بازیابی سنت خودی به دست آورد؛ انقلاب فرهنگی دقیقا همین ایده را دنبال می‌کرد. هرچند هدف بلافاصل آن در واقع پالایش دانشگاه از نیروی غیرخودی سیاسی بود و البته هنوز هم هست، اما شالوده‌های فکری آن به ایده‌هایی اتکا داشت که ریشه مسئله را در این می‌دید که علوم و دانش‌های جدید نه در خاک خودی که در زمین بیگانه ریشه دارد و برای همین محصولاتش نیز تنها به کار ما نمی‌آید که ما را با خودمان بیگانه می‌کند و به آلت دست بیگانه بدل می‌کند؛ بنابراین ایده بومی‌سازی هم به خود علوم و دانش‌ها، به‌ویژه از نوع انسانی آن، نظر داشت و هم به خود فضای دانشگاه. به زبان ساده‌تر، هم علوم می‌باید بومی‌سازی می‌شد و هم فضای دانشگاه. خیلی زود کاشف به عمل آمد که اولی به این راحتی‌ها نیست و نمی‌توان به شکلی دستوری علمی بومی‌شده تولید کرد. البته «شورای تحول علوم انسانی» که از سوی شورای انقلاب فرهنگی مأموریت یافته، به‌تازگی با تغییر سرفصل رشته‌هایی مثل جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی تلاش کرده ایده بومی‌سازی را پیش ببرد؛ اما بومی‌سازی فضای دانشگاهی ارتقا تا حدی فرق می‌کند. در اینجا پای سازوکارهای اجرایی در میان است. آماج بومی‌سازی دانش و دانشگاه، هر دو، اساسا این بوده و هست که خطر عناصر مزاحم را دفع کند. از جنبش دانشجویی قبل از سال ۸۴ کم‌وبیش خبر داریم؛ همراهی دفتر تحکیم با جریان اصلاح‌طلبی و از اوایل دهه ۸۰ ت‌عبور از خاتمی و تحریم انتخابات در سال ۸۴ و پس

روزنه

وزارت کشور حامی برگزاری مراسم‌های مجوزدار و قانونی است

• ایسنا؛ وزیر کشور با تأکید بر لزوم تقویت و عمق‌بخشی بیش سیاسی دانشجویان گفت: «به فرموده مقام معظم رهبری سیاستگری و برخوردار شدن از قدرت فهم و تحلیل سیاسی نیاز مبرم دانشجویان و دانشگاه‌هاست. دانشجو باید از تحلیل‌های جامع و قوی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار باشد. دانشگاه و دانشجو باید در عرصه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی و... نقش جلودار و پیشگام را ایفا کنند». عبدالرضا رحمانی‌فضلی، گفت: «یکی از شاخص‌های مهم دانشجو و دانشگاه نقد است، دولت نیز از انتقاد سازنده استقبال می‌کند و نقد را حق دانشجو و دانشگاه می‌داند. البته انتظار است در کنار نقد، راه‌حل هم از سوی دانشجویان و دانشگاه‌ها مطرح شود». رحمانی‌فضلی از افزایش فعالیت شکل‌های دانشجویی در دولت تدبیر و امید خبر داد و افزود: «در چهار سال اخیر به‌طور میانگین حدود سه هزار و ۵۰۰ مورد مراسم و تجمع توسط شکل‌های دانشجویی، گروه‌ها و احزاب در کشور در امنیت کامل برگزار شده است». وزیر کشور با بیان اینکه به‌طور میانگین ۵۰۰ مراسم دانشجویی برگزار شده است، گفت: «در راستای بسترسازی برای شور، نشاط سیاسی و انتخاباتی در مقطع تبلیغات انتخابات ۲۹ اردیبهشت ۹۶ نیز بیش از ۴۲ هزار مراسم و برنامه از قبیل همایش، سخنرانی، مناظره، جلسات با احزاب و فعالان دانشگاهی و متفقدین قومی در سراسر کشور برگزار شد. با توجه به عملکرد دولت یازدهم، دانشجویان و دانشگاهیان شاهد بودند که دولت به‌هیچ‌وجه به‌دنبال امنیتی‌کردن فضای دانشگاه‌ها نبوده و نیست و سیاست وزارت کشور برگزاری تمامی مراسم‌های دانشجویی مجوزدار به‌صورت قانونی است و از آن هم حمایت کرده و می‌کند». او با بیان اینکه سخنرانی‌های روز دانشجو باید در داخل دانشگاه‌ها برگزار شود، افزود: «مجوز برای سخنرانی در این مراسم‌ها از سوی شورای فرهنگی دانشگاه صادر می‌شود که مورد تأیید وزارت کشور است. هیچ فرد یا گروهی حق ندارد نسبت به جلوگیری از برگزاری مراسم مجوزدار اقدامی کند، وزارت کشور حامی برگزاری مراسم‌های مجوزدار و قانونی است و از این بابت از هیچ کمک و تلاشی دریغ نخواهد کرد».

پیوند سلول‌های بنیادی یکی از راه‌های درمانی کودکان مبتلا به سرطان است، تنها ۲۵ درصد احتمال دارد که یک بیمار بتواند از نزدیکی خود سلول بنیادی دریافت کند، وجود اهداکننده سازگار این فرصت را برای بیماران فراهم می‌آورد تا بار دیگر او را به جریان زندگی متصل سازد. شما می‌توانید با ثبت نام در مرکز پذیره‌نویسی سلول‌های بنیادی محک نجات‌بخش یک زندگی باشید.

محک مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان mahak-charity.org

راه‌های برقراری ارتباط با ما جهت کسب اطلاعات بیشتر: www.mahak-charity.org ۰۲۱ - ۲۳۵۰۱۱۳۲

محل مراجعه: ابتدای بزرگراه ارتش، بلوار شهید مؤدی، خیابان پروفیسور و توق، بلوار محک، بیمارستان و مؤسسه خیریه محک

مرکز پذیره‌نویسی سلول‌های بنیادی خونساز محک